

چارچوب جهانی نظام حقوق بین الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته‌ای

پیمان نامامیان^۱

چکیده: یکی از چالش‌برانگیزترین اقدامات تروریستی که در قرن حاضر با استفاده از مدرن‌ترین تسلیحات کشتار جمعی ارتکاب یافته، پدیده «تروریسم هسته‌ای» می‌باشد. از این رو، بی‌گمان سایه شوم تروریسم هسته‌ای امروزه بسیار بیشتر از سال‌های قبل احساس می‌شود، چرا که عناصر بنیادگرا و سلطه‌ستیز بین‌المللی از قدرت این ابزارها آگاهی یافته و درصدد به‌دست آوردن آن به عنوان عامل مهم بازدارنده و حتی انتحاری و انجام حملات بر ضد اهداف و دشمنان خود هستند. از آنجا که گروه‌ها و دسته‌های تروریستی نسبت به دولت‌ها در موضع ضعف قرار دارند احتمال به کارگیری این نوع تروریسم از سوی آنان افزایش می‌یابد. با این حال جامعه بین‌المللی در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری درصدد ایجاد سازوکارهای مقابله با این پدیده دهشتناک بوده است. بر همین اساس، طی چند دهه اخیر اسناد متعددی را در جهت جرم‌انگاری اقدامات تروریسم هسته‌ای به تصویب رسانده است. اما نکته مورد اهتمام این که تا به حال و علی‌رغم وجود اسناد فوق‌ترتیب تنها اقدامات ارتكابی از سوی تروریست‌ها کاهش نیافته، بلکه به‌طور روزافزون در حال افزایش است. به راستی، عمده دلیل این وضعیت را در کجا می‌توان یافت؟ این مقاله ضمن بررسی نظام بین‌الملل کیفری، درصدد ارائه سازوکارهای کنشی در مواجهه با تروریسم خواهد بود.

واژگان کلیدی: تروریسم، تروریسم هسته‌ای، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم، قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت، راهبرد جهانی ضد تروریسم ملل متحد، حقوق بین‌الملل کیفری.

۱. آقای پیمان نامامیان، پژوهشگر گروه صلح کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی،

۱. مقدمه

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۳۷۳ را صادر نمود که «مجموعه قوانین مبارزه با تروریسم» جهان نام گرفت؛ زیرا به وسیله آن تعهداتی حقوقی برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد پدید آمده است. به علاوه قطعنامه‌های ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) و ۱۷۳۵ (۲۰۰۶) شورای امنیت و کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم چارچوبی حقوقی را در مواجهه با تروریسم شکل می‌دهند که باید به گونه‌ای مطابق با تعهدات بین‌المللی مقرر در اسناد حقوق بشری به اجرا درآیند.

با این حال، در چارچوب فوق و با وجود اسنادی همچون قطعنامه ۱۵۴۰، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با بمب‌گذاری‌های تروریستی، چارچوب ضد تروریسم هسته‌ای ایجاد گردید. اسناد مزبور به واسطه وجود کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تروریسم هسته‌ای،^(۱) کنوانسیون اصلاحی حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و پروتکل مبارزه با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوها ثابت مستقر در فلات قاره (الحاقی به کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتی‌رانی دریایی) تکمیل می‌شوند که با تصویب آن‌ها در سال ۲۰۰۵ همگی لازم‌الاجرا شده‌اند.

در کنار اقدامات فوق، شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد به کشورهای نیازمند همکاری حقوقی و قانونی برای تهیه پیش‌نویس قوانین ضد تروریستی مناسب که به‌طور شایسته تعهدات مقدمه در قطعنامه ۱۳۷۳، تحریم‌های سازمان ملل متحد بر علیه القاعده و طالبان و همین‌طور تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم از جمله کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای را مد نظر قرار دهند، کمک می‌کند. این شعبه نیز در راستای سیاست‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبادرت به تقویت سازوکارهای همکاری بین‌المللی در امور کیفری مرتبط با تروریسم، از طریق ظرفیت‌سازی ملی می‌نماید.

۲. کمیته مبارزه با تروریسم

در بیست و هشتم سپتامبر سال ۲۰۰۱، شورای امنیت قطعنامه ۱۳۷۳ را مبتنی بر فصل هفتم منشور ملل متحد صادر نمود. بر همین اساس، تصمیمات مقرر در قطعنامه از نظر حقوقی برای دولت‌های عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا می‌باشند. در کنار کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضدتروریسم سازمان ملل متحد،^(۲) قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص القاعده و طالبان و قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت در رابطه با سلاح‌های کشتار جمعی و قطعنامه ۱۳۷۳ یکی از چهار ستون اصلی چارچوب حقوقی جهانی برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم محسوب می‌شوند.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۳۷۳، کمیته ضد تروریسم^(۳) را به منظور نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ و براساس گزارش‌های ارسالی از دولت‌ها به کمیته ضدتروریسم با همکاری کارشناسان تشکیل داد. لازم به ذکر است کمیته ضدتروریسم توسط شورای امنیت و براساس ماده ۲۹ منشور ملل متحد ایجاد گردید. این کمیته خود از سه کمیته فرعی دیگر تشکیل شده که مکلف به بررسی و ارزیابی گزارش‌های واصله از سوی دولت‌ها می‌باشند و به گروهی از کارشناسان که توسط دبیرکل سازمان ملل متحد در این خصوص به کار گرفته شده‌اند، کمک می‌نمایند. بنابراین، کمیته دارای ده کارشناس بوده که هشت نفر آن‌ها وظیفه بررسی گزارش‌های واصله توسط دولت‌ها را بر عهده دارند و دو نفر دیگر با برنامه کمک‌های فنی کمیته همکاری دارند. لازم به توضیح است که تا پایان سال ۲۰۰۸ بالغ بر یک هزار گزارش از سوی دولت‌ها به کمیته ارسال شده است. به علاوه کمیته مزبور متشکل از پانزده دولت عضو شورای امنیت است. کمیته از زمان شکل‌گیری در یک گفتمان پایدار با دولت‌های عضو شرکت داشته و برای ترویج همکاری نزدیک و هماهنگ‌سازی در حیطه ساختار سازمان ملل متحد و در میان سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای به فعالیت پرداخته است.

کمیته ضدتروریسم تا به حال به مدت پنج سال است که در حال تحلیل و بررسی گزارش‌های ارسالی به وسیله دولت‌های عضو بوده است. این کمیته در ۲۶ مارس ۲۰۰۴، شورای امنیت را متقاعد کرد تا قطعنامه ۱۵۳۵ را صادر نماید. در این صورت به واسطه صدور قطعنامه مزبور، تشکیل دبیرخانه اجرایی کمیته ضد تروریسم، ویژگی منحصر به فردی پیدا کرد. لازم به ذکر است در هجدهم می ۲۰۰۴، دبیر کل سازمان

ملل سفیر خاویر روپرز (از اسپانیا) را در سمت مدیریت اجرایی دبیرخانه منصوب کرد. از آن به بعد کمیته ضدتروریسم فعالیت‌های خود را برای بازدید از دولت‌های عضو گسترش داد. در همین میان دبیرخانه اجرایی کمیته ضدتروریسم از چندین کشور مانند آلبانی، الجزایر، هند و پاکستان دیدن کرد.

به‌طور تقریبی، در کل بازدیدهای صورت‌پذیرفته از سوی دبیرخانه اجرایی کمیته ضدتروریسم، یک نماینده از شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل به عنوان عضو گروه نمایندگان آن شرکت داشت.

نکته حائز اهمیت این که مجمع عمومی سازمان ملل در راهبرد جدید خود درخصوص مبارزه جهانی با تروریسم، دبیرخانه اجرایی کمیته ضدتروریسم را تشویق کرد تا به افزایش انسجام و کارایی ارائه همکاری فنی در این زمینه، از طریق تقویت گفت‌وگو با خود با کشورها و سازمان‌های ذی‌ربط بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای و همکاری نزدیک با کلیه ارائه‌کنندگان دوجانبه و چندجانبه همکاری فنی (به‌طور مثال از طریق تبادل اطلاعات) ادامه دهد.^(۴)

۳. مقررات ماهوی

۱-۳. قطعنامه ۱۳۷۳

بندهای ۱، ۲ و ۳ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت به ترتیب شامل پیشگیری از تأمین مالی تروریسم و مبارزه با آن، پیشگیری از اقدامات تروریستی و جرم‌انگاری آن و همکاری بین‌المللی با پذیرش و اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم، تعهدات حقوقی‌ای هستند که از دولت‌ها درخواست کرده‌اند، آن‌ها را به اجرا درآورند. اجرای مؤثر قطعنامه مستلزم آن است که دولت‌ها برای استفاده از قلمرو سرزمینی به‌منظور تأمین مالی، برنامه‌ریزی، تسهیل ارتکاب اعمال تروریستی علیه دولت‌های دیگر و یا شهروندان خود جرم‌انگاری کنند. از این‌رو دولت‌ها ملزم می‌شوند تا اقدامات زیر را به عمل آورند:

«الف) جرم‌انگاری تأمین مالی مطابق مواد ۲ و ۴ کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم (پاراگراف نخست).

ب) حصول اطمینان از این که ادعایی مبنی بر انگیزه سیاسی زمینه‌ای برای پذیرش درخواست استرداد تروریست‌های متهم شناخته نشده است.»
قطعنامه ۱۳۷۳ تعریفی از واژه «تروریسم» ارائه نکرده است، در این صورت بند سوم قطعنامه ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) شورای امنیت توصیفی است که برخی آن را توضیح اعمال تروریستی نامگذاری کرده‌اند. به‌علاوه، قطعنامه ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت، تکلیف نظارت بر نحوه ممانعت دولت‌ها از تحریک به ارتکاب اعمال تروریستی را برعهده کمیته ضدتروریسم قرار داد.

شورای امنیت در بند چهارم قطعنامه ۱۳۷۳ با ابراز نگرانی از وجود ارتباط نزدیک میان تروریسم بین‌المللی و جرایم سازمان‌یافته فراملی، قاچاق موادمخدر و ارز، بر ضرورت ارتقای هماهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای، زیرمنطقه‌ای و بین‌المللی به منظور تقویت واکنش جهانی به این چالش جدی و تهدید امنیت بین‌المللی تأکید کرد.

۳-۲. اتخاذ سازوکار تحریم بر ضد القاعده و طالبان

کمیته شورای امنیت که براساس پاراگراف ششم قطعنامه ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) تشکیل شد، بر اجرای تحریم‌های شورای امنیت بر افراد و هویت‌های متعلق یا مرتبط با طالبان، اسامه بن‌لادن و سازمان القاعده از سوی دولت‌ها نظارت دارد و به این منظور فهرست افراد و هویت‌ها را در اختیار دارد.^(۵)

شورای امنیت در قطعنامه‌های ۱۲۶۷ (۱۹۹۹)، ۱۳۳۳ (۲۰۰۰)، ۱۳۹۰ (۲۰۰۲)، ۱۴۵۵ (۲۰۰۳)، ۱۵۲۶ (۲۰۰۴)، ۱۶۱۷ (۲۰۰۵) و ۱۷۳۵ (۲۰۰۶) کلیه دولت‌ها را ملزم کرده است تا افراد و هویت‌های عنوان شده در فهرست را دستگیر نموده و از ورود آن‌ها به کشور خود یا عبور آن‌ها از خاک خود جلوگیری به عمل آورند و از تأمین مستقیم یا غیرمستقیم، فروش و نقل و انتقال سلاح و تجهیزات نظامی به آن‌ها ممانعت کنند.

به‌علاوه، در قطعنامه ۱۶۱۷ (۲۰۰۵)، تأکید شد که الزام واردشده بر کلیه دولت‌های عضو برای اجرای کامل قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) در رابطه با طالبان یا القاعده و هر شخص یا هویت مرتبط با آن‌ها که در تأمین مالی، برنامه ریزی، تسهیل، جذب نیرو، آماده‌سازی، ارتکاب یا هر نوع حمایت دیگر از اقدامات تروریستی شرکت داشته است، کاربردپذیر خواهد بود.

۳-۳. اسناد بین‌المللی ضد تروریسم

قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مختص به مبارزه با تروریسم و پیشگیری از آن را دوباره مورد توجه جامعه بین‌الملل قرار داد. این قطعنامه در کنار مساعدت فنی ارائه‌شده به دولت‌ها، به روند پذیرش کنوانسیون‌های مصوب قبل از قطعنامه ۱۳۷۳ سرعت بخشید. در حال حاضر این کنوانسیون‌ها از سوی بیش از یکصد دولت مورد پذیرش واقع شده که ۸۹ دولت هر دوازده کنوانسیون را مورد پذیرش قرار داده‌اند. به‌علاوه، در حال حاضر حدود پانزده کشور کنوانسیون سیزدهم یعنی کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تروریسم هسته‌ای را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضد تروریسم، معاهداتی بین‌المللی هستند، از این رو تحت کنترل مقررات حقوق معاهدات بین‌المللی مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین قرار دارند. هر چند قاعده الزام‌آور بودن معاهدات به زیربنایی‌ترین هنجارهای حقوق معاهدات بین‌المللی تعلق دارد، اما شایان ذکر است شورای امنیت به ضرورت یادآوری این تعهد بین‌المللی پی برد و در قطعنامه ۱۳۷۳ دولت‌ها را به اجرای کامل کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با تروریسم دعوت نمود.

به استثنای دو کنوانسیون شامل کنوانسیون راجع به جرایم و دیگر اعمال ارتكابی در داخل هواپیما (۱۹۶۳) و کنوانسیون بین‌المللی نشانگذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی بعدی (۱۹۹۱)، تمام کنوانسیون‌ها دولت‌های عضو را ملزم کرده‌اند تا جرایم مقدر در آن‌ها را به عنوان جرم کیفری اعلام کنند؛ به‌طور مثال، این نکته در مورد کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم به این معناست که دولت‌ها باید تأمین مالی تروریسم را یک جرم مستقل اعلام کنند، یعنی یک جرم کمکی نیست^(۶) و به این موضوع که وجوه مربوط به آن واقعاً صرف یک عمل خشونت‌آمیز شده یا نه، ارتباطی نداشته باشند.^(۷)

به‌علاوه، کاربرد قاعده الزام‌آور بودن معاهدات برای کنوانسیون‌ها به این معنا است که دولت‌ها باید در پرونده‌هایی که مجرم آن در خاک خود آنان حضور دارد، صلاحیت قضایی خود در خصوص جرایم مربوط به آن را اثبات کنند و شخص مربوط را نیز مسترد نکنند.

با این حال، وجود اصل «استرداد یا محاکمه» در نظام حقوق بین‌الملل کیفری نه تنها در کنوانسیون‌ها بلکه به‌طور مجدد در بند دوم از قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت تصدیق شده و به‌طور صریح در قطعنامه‌های ۱۴۵۶ (۲۰۰۳) و ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت نیز مقرر شده است. دولت‌ها به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ملزم شده‌اند تا اطمینان حاصل کنند ادعای مبنی بر انگیزه سیاسی زمینه‌ای برای پذیرش درخواست استرداد تروریست‌های متهم نمی‌باشد. این الزام در میان سایر موارد به‌طور اکید در کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با بمب‌گذاری‌های تروریستی، کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تروریسم هسته‌ای و کنوانسیون اصلاحی حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای^(۸) مقرر شده است.

۳-۴. چارچوب حقوقی بر علیه تروریسم هسته‌ای

۳-۴-۱. اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها

۳-۴-۱-۱. مجمع عمومی

الف) قطعنامه T ۵۴/۵۶

طی نشست‌هایی در سازمان ملل متحد که به همت مجمع عمومی برگزار گردید، راهبردهایی جهت مقابله با تروریسم بین‌المللی تدوین گردید. بر همین اساس ضرورت تقویت هنجارهای جهانی علیه کاربرد یا توسعه سلاح‌های کشتار جمعی مورد تأکید قرار گرفت. به عنوان مثال، لزوم انجام تلاش‌های بین‌المللی مضاعف برای حصول اطمینان موارد زیر مورد تأکید واقع شد:

۱. جهان شمولی، بازرسی، تأیید و اجرای کامل معاهدات خلع سلاح؛
۲. بهبود همکاری میان سازمان‌های بین‌المللی درگیر با این سلاح‌ها؛
۳. تشدید قوانین ملی راجع به صادرات فناوری‌های مورد نیاز جهت ساخت سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب آنها.^(۹)

با این حال، با توجه به اهتمام واکنش‌های چندجانبه نسبت به چالش‌های تروریسم، خلع سلاح و عدم گسترش، قطعنامه T ۵۴/۵۶^(۱۰) بدون رأی‌گیری در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. این قطعنامه پیشرفت در حوزه خلع سلاح و عدم گسترش را به‌منظور کمک در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مشارکت در تلاش‌های بین‌المللی

علیه تروریسم مورد تأکید قرار داد و آن را ضرورتی مبرم و اساسی قلمداد نمود. البته قطعنامه مذکور کلیه دولت‌های عضو را دعوت نمود تا تعهدات و الزامات خود را در زمینه همکاری چندجانبه تجدید نمایند.

ب) قطعنامه ۵۷/۸۳

باتوجه به گسترش فزاینده اقدامات تروریستی و دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های هسته‌ای همچنین وجود نگرانی جامعه جهانی از این وضعیت، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۵، قطعنامه ۵۰/۵۳ را در پیشگیری از دسترسی تروریست‌ها به این‌گونه سلاح‌ها صادر نمود. وجود این نگرانی‌ها موجب گردید تا مجمع عمومی یک بار دیگر در رابطه با پیشگیری از دسترسی تروریست‌ها به این‌گونه تسلیحات به‌ویژه سلاح‌های کشتار جمعی قطعنامه‌ای را صادر کند. از این‌رو، مجمع عمومی با پذیرش عزم جامعه جهانی برای مبارزه با تروریسم و نگرانی عمیق از خطر رو به گسترش رابطه میان اقدامات تروریستی و این‌گونه تسلیحات، قطعنامه ۵۷/۸۳^(۱) را در سال ۲۰۰۳ صادر نمود. با این حال، مجمع عمومی در این قطعنامه ضمن دعوت از کلیه دولت‌ها به حمایت از تلاش‌های بین‌المللی برای پیشگیری از دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب آن‌ها، درخواست می‌نماید تا کشورهای عضو اقداماتی را در سطح ملی جهت دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌های مزبور و نحوه استفاده از آن اتخاذ نموده و شورای امنیت را از نتایج اقدامات خود آگاه کنند. به علاوه، دولت‌های عضو را در جهت همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تشویق و ترغیب می‌نماید.

ج) قطعنامه ۷۳/۶۰

باتوجه به اوضاع و احوال موجود در نظام بین‌المللی و چالش‌های پیش روی و همچنین به جهت گسترش علوم و فناوری‌های نوین و خطر فزاینده میان تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، مجمع عمومی را با وضعیتی مواجه نمود که موجب گردید تا مجدداً نسبت به چالش‌های فوق تدابیری را اتخاذ نماید. آنچه در این رابطه مورد اهتمام مجمع عمومی قرار گرفت، خطر وجود «تروریسم رادیولوژیک» بود. از این‌رو، مجمع عمومی با پذیرش نقش مواد و منابع رادیواکتیو برای توسعه نظام اجتماعی و اقتصادی

کشورها، تاکید بر اهتمام نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ترویج و اجرای ایمنی و امنیت مواد، منابع و پسماندهای رادیواکتیو، طرح اقدام آژانس بدین‌منظور و همچنین برای طرح امنیت هسته‌ای سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۰^(۱۲)، قطعنامه ۶۰/۷۳^(۱۳) را در سال ۲۰۰۶ صادر نمود. این قطعنامه از همکاری آژانس در زمینه امنیت و ایمنی منابع رادیواکتیو برای استمرار در نظارت بر آن، استقبال نمود و بر همین اساس دولت‌های عضو را برای حمایت از تلاش‌های صورت‌پذیرفته نظام بین‌الملل جهت پیشگیری و سرکوب گروه‌های تروریستی در کسب، تحصیل و استفاده از منابع فوق‌مطابق قوانین ملی و بین‌المللی دعوت می‌نماید. البته به دولت‌های عضو تأکید می‌کند اقدامات ملی را علاوه بر زمینه‌های فوق، در زمینه حسابرسی، ایمن‌سازی و حفاظت فیزیکی مواد، منابع رادیواکتیو، تأسیسات و نیروگاه‌های هسته‌ای در برابر مواد خطرناک تقویت نمایند. با این وجود قطعنامه ضمن دعوت از کلیه کشورها جهت امضا یا تصویب «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای»، مجدداً خواستار حمایت دولت‌ها از تلاش‌های آژانس برای تصویب ایمنی و امنیت منابع رادیواکتیو مقرر در طرح امنیت هسته‌ای سال ۲۰۰۶-۲۰۰۹ شد.

د) قطعنامه ۶۰/۷۸

اقدامات مقرر در قطعنامه ۵۷/۸۳ تنها بخشی از راهبردهای پیشگیرانه در مقابله با دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی بود؛ چرا که مجمع عمومی ضمن تأکید بر راهبردهای مقرر در مقدمه قطعنامه اخیر، استقبال از تصویب کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تروریسم هسته‌ای و اصلاحیه‌های پیشنهادی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جهت غنای «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای» و ضرورت پیشرفت در زمینه خلع‌سلاح و منع تسلیحات به‌منظور مساعدت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مشارکت در تلاش‌های جهانی علیه تروریسم، قطعنامه ۶۰/۷۸^(۱۴) را در سال ۲۰۰۶ صادر کرد. این قطعنامه ضمن دعوت از کشورهای عضو در پشتیبانی از تلاش‌های بین‌المللی صورت‌پذیرفته در راستای ممانعت از دسترسی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های پرتاب آن‌ها، مصرانه درخواست می‌کند تا دولت‌های عضو تدابیر مناسبی را در سطح ملی جهت ممانعت از دستیابی تروریست‌ها به این‌گونه تسلیحات، سیستم‌های پرتاب و مواد و فناوری‌های مرتبط با تولید آن‌ها اتخاذ

نموده و دبیرکل سازمان ملل متحد را از تدابیر اتخاذ شده مطلع نمایند. همچنین کشورهای عضو را ترغیب نموده تا با همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، توانایی‌های ملی را تقویت کنند.

نکته حائز اهمیت در رابطه با قطعنامه‌های ۵۷/۸۳ و ۶۰/۷۸ این که تمامی موازین مقرر در این دو قطعنامه شبیه به یکدیگر بوده و نکته جدیدی را که مبین وضعیت موجود در نظام بین‌المللی و همچنین تفکیک و تفاوت آن‌ها از هم باشد، قابل درک نیست. آنچه موجب می‌گردد تا صدور قطعنامه‌های مزبور به‌رغم شباهت‌های بسیار زیاد، منطقی و عقلایی جلوه کند وجود اهتمام نظام بین‌المللی و نگرانی‌های خاص در زمینه دستیابی تروریست‌ها به این‌گونه تسلیحات می‌باشد؛ چرا که به‌طور اساسی قطعنامه‌های مزبور تأکید مؤکدی بر جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به تسلیحات کشتار جمعی داشته است.

۲-۴-۱-۲. شورای امنیت

الف) قطعنامه ۱۵۴۰

گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک و همین‌طور وسایل پرتاب آن‌ها تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. اگر این سلاح‌ها در اختیار افراد غیرمجاز خارج از حاکمیت دولت‌ها به‌ویژه سازمان‌های تروریستی قرار گیرند، این تهدید به‌گونه‌ای ویژه حاد و خطرناک می‌شود. شورای امنیت با توجه به این تهدید مضاعف، قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت را در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ صادر نمود. قطعنامه مزبور همچون قطعنامه ۱۳۷۳ ضمن تلقی چارچوب عدم گسترش، چارچوبی ضدتروریسم به‌شمار می‌رود. با این حال، قطعنامه ۱۵۴۰ از حیث پیوند رژیم مبارزه با تروریسم و خلع سلاح‌های کشتار جمعی مورد اهتمام است. البته، قطعنامه مذکور اقدامی ضدتروریستی به‌شمار می‌آید؛ چرا که به‌طور صریح درصدد پیشگیری از دستیابی بازیگران غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد.^(۱۵)

با این وجود یکی از تعهدات این قطعنامه برای دولت‌ها، به کارگیری و اجرای قوانین اجرایی مناسب است که هر عامل غیردولتی را از ساخت، استحصال، مالکیت، گسترش، حمل و نقل، انتقال و واگذاری یا مصرف سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیک و وسیله پرتاب آنان منع می‌کنند. در نتیجه، دولت‌ها مستلزم می‌شوند تا

تعهد خود نسبت به همکاری همه‌جانبه به‌خصوص در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان مختص به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و سلاح‌های بیولوژیک و سمی را احیا و ادا کنند.^(۱۶)

به علاوه، یکی از شاخص‌های مورد اهتمام در قطعنامه، تصویب آن براساس فصل هفتم منشور ملل متحد است. بنابراین، باتوجه به تمرکز فصل مزبور به «اقدام علیه موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اقدام به تجاوز»، قدر مسلم اینکه شورای امنیت گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده است. این قطعنامه از این حیث دارای نوآوری نیست؛ چرا که در بیانیه سال ۲۰۰۲ سران شورا و همچنین قطعنامه‌های ضد تروریستی این امر مقرر شده بود. تصویب قطعنامه ۱۵۴۰ سوی شورا، مبتنی بر شناسایی صلاحیت خود در عرصه مقابله با گسترش این‌گونه تسلیحات می‌باشد.^(۱۷) در هر حال، تعهدات ناشی از این قطعنامه شامل موارد ذیل می‌باشند:

«الف) عدم حمایت از فعالیت بازیگران غیردولتی در زمینه توسعه، تحصیل، ساخت، تصرف، حمل و نقل، انتقال یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و سیستم‌های پرتاب (بند نخست)؛

ب) تصویب و اجرای قواعد حقوقی برای ممنوعیت ارتکاب هرگونه فعالیت (اعم از توسعه، تحصیل، ساخت، تصرف، حمل و نقل، انتقال یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و سیستم‌های پرتاب و مشارکت در هر یک از اعمال مذکور به عنوان مباشر، معاون یا حمایت‌کننده مالی) توسط بازیگران غیردولتی (بند دوم)؛ این تعهد از «اجرای ملی» معاهدات راجع به سلاح‌های هسته‌ای فراتر می‌رود.

ج) ایجاد سیستم کنترل ملی درخصوص فعالیت‌های مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای و ابزار پرتاب آن مطابق با مقررات داخلی و حقوق بین‌الملل برای کشف، پیشگیری و مبارزه با ارتکاب (بند سوم)؛

د) ارائه گزارش به کمیته ۱۵۴۰ شورای امنیت (بند چهارم)».

ب) قطعنامه ۱۶۷۳

با این وجود، شورای امنیت در راستای قطعنامه اخیر و تأیید تهدیدات بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های

پرتاب آن‌ها، قطعنامه ۱۶۷۳^(۱۸) را به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد در سال ۲۰۰۶ صادر نمود. این قطعنامه در پرتو تعهدات مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ از جمله حقوق و تکالیف دولت‌های عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^(۱۹) و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک و سمی صادر شد. قطعنامه مزبور علاوه بر تکرار و اهتمام نسبت به اجرای کامل راهبردهای مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ توسط دولت‌ها، کلیه دولت‌ها را دعوت نمود تا گزارش خود را در خصوص اقداماتی که در راستای اجرای قطعنامه باید انجام دهند را بدون تأخیر به کمیته ۱۵۴۰ ارائه نمایند. به موجب بند سوم این قطعنامه، کلیه دولت‌ها موظف به ارائه گزارش تکمیلی خود جهت ارائه به کمیته مزبور هستند. به موجب قطعنامه ۱۶۷۳، کمیته ۱۵۴۰ باید تلاش‌های خود را جهت ترویج کامل قطعنامه ۱۵۴۰ توسط دولت‌ها به واسطه وجود یک برنامه کاری گسترش دهد.^(۲۰) البته دولت‌های عضو برای اجرای کامل و مؤثر قطعنامه ۱۵۴۰ با سه چالش مواجه هستند:

۱. تمایل سیاسی برای شناخت و احاطه بر تهدید قانونی که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را بر کلیه دولت‌ها تحمیل می‌کند؛
۲. ارتباط با موضوعات داخلی؛
۳. ظرفیت و توان نهادینه و موجودیت منابع.^(۲۱)

ج) قطعنامه ۱۸۱۰

وجود نگرانی‌های فزاینده در صحنه بین‌المللی از حیث سهولت کسب و تحصیل سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین به جهت عدم ارائه گزارش ملی برخی دولت‌ها به کمیته ۱۵۴۰ وفق بند ششم قطعنامه ۱۶۷۳، شورای امنیت در سال ۲۰۰۸، با تأکید بر قطعنامه‌های ۱۵۴۰ و ۱۶۷۳ خود و نیز با توجه به تعهدات دولت‌های عضو در اجرای مفاد قطعنامه‌های مزبور، قطعنامه ۱۸۱۰^(۲۲) را صادر نمود. این قطعنامه ضمن تأکید بر تصمیمات مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ و ارائه گزارش‌های ملی از سوی دولت‌های عضو به کمیته ۱۵۴۰، مجدداً کلیه دولت‌ها را به ارائه چنین گزارش‌هایی ترغیب و تشویق نموده است.^(۲۳)

به علاوه به موجب بند چهارم، قطعنامه کلیه دولت‌ها را ترغیب می‌نماید تا با مساعدت کمیته ۱۵۴۰ برنامه کاری فراهم و براساس آن اولویت و برنامه‌های خود برای

اجرای مواد و تعهدات اصلی قطعنامه ۱۵۴۰ ترسیم و به کمیته ارائه گردد. در این راستا دولت‌هایی که تقاضای مساعدت دارند، تشویق می‌گردند که ضمن انتقال به کمیته، آن‌ها را ترغیب می‌کند که از مساعدت‌های کمیته استفاده کنند. با این حال، به موجب بند ۱۲ نکته مورد اهتمام در قطعنامه ۱۸۱۰ این که، به ضرورت تقویت همکاری میان کمیته ۱۵۴۰ و کمیته ایجادشده برابر قطعنامه ۱۲۶۷ راجع به القاعده و گروه طالبان و همچنین کمیته ایجادشده در قطعنامه ۱۳۷۳ درخصوص اقدامات ضدتروریستی از طریق تقسیم اطلاعات، همکاری در بازرسی از کشورها، مساعدت فنی پیرامون ارائه راهبردها یی به کمیته در حوزه‌های مشترک، اشاره شده است.

د) قطعنامه ۱۸۸۷

به همت شورای امنیت نشست‌ی تحت عنوان «عدم گسترش و خلع سلاح هسته‌ای» با حضور سران دولت‌ها در ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۹ برگزار شد. این نخستین نشست ویژه سران شورای امنیت درباره موضوع عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای و پنجمین نشست سران در تاریخ شورای امنیت می‌باشد. یکی از دستاوردهای مهم این نشست، تصویب قطعنامه ۱۸۸۷^(۲۴) در سال ۲۰۰۹ به پیشنهاد ایالات متحده آمریکا بوده که بر این اساس از کشورهای مختلف درخواست شد به عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای کشورها و فراهم ساختن زمینه برای عاری ساختن همه‌جانبه جهان از این سلاح‌ها کمک کنند.

قطعنامه مزبور با تأکید مجدد بر تهدیدات ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و ابزار استفاده از آن‌ها علیه صلح و امنیت جهانی، در نظر گرفتن مسئولیت‌های دیگر مؤسسات سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط در زمینه خلع سلاح، کنترل تسلیحات و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، علاوه بر کنفرانس خلع سلاح و حمایت از آن‌ها برای ادامه ایفای نقش‌هایشان، با استقبال از تصمیمات کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای مبنی بر توقف برنامه‌های تسلیحاتی خود، تأکید مجدد بر قطعنامه‌های ۸۲۵، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۷۱۸، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۸۷۴، با ابراز نگرانی شدید راجع به خطر تروریسم هسته‌ای و پذیرش ضرورت اقدامات مؤثر و عملی از طرف کلیه دولت‌ها برای ممانعت از قرارگرفتن مواد یا کمک‌های فنی هسته‌ای در دسترس تروریست‌ها و همچنین با حمایت از کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد

هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای صادر گردید.

قطعنامه حاوی چارچوبی برای راهنمایی دولت‌ها در متوقف ساختن گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کاهش خطر جهانی هسته‌ای است. از این‌رو، قطعنامه ۱۸۸۷ از کشورهای عضو «معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای» درخواست می‌کند که وظایف و تعهدات خود را اجرا کنند و این قطعنامه از کشورهای دیگر دعوت کرد به این پیمان بپیوندند. در این قطعنامه آمده است که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و ادوات حمل آن، صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند. به علاوه، در قطعنامه تأکید شده است که معاهده یاد شده کماکان اساس سازوکار عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نیل به سوی خلع سلاح هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از این انرژی است.

۳-۴-۲. مقررات معاهداتی

تا به امروز مسأله تروریسم هسته‌ای، علاوه بر قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت، به‌طور ویژه به‌وسیله کنوانسیون‌هایی همچون کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی به واسطه پروتکل ۲۰۰۵، پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوها‌ی ثابت مستقر در فلات قاره به‌واسطه پروتکل ۲۰۰۵، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون اصلاحی آن در سال ۲۰۰۵ و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای، مورد اهتمام واقع شده است.^(۲۵)

تاکنون کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با بمب‌گذاری‌های تروریستی که در سال ۱۹۹۷ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد جرایمی را وضع کرده است که از طریق انتشار یا تأثیرگذاری عوامل بیولوژیک، شیمیایی سمی یا مواد سمی یا مواد مشابه یا تشعشع یا ماده رادیواکتیو واقع می‌شوند.

به همین ترتیب، مجموع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای را به‌رغم هشدارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر این که این کنوانسیون با کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای دارای هم‌پوشانی است، پذیرفت.^(۲۶) در پیشگفتار کنوانسیون

مزبور شواهدی مبنی بر اطلاع نمایندگان دولت‌های پذیرنده آن در نیویورک از کنوانسیون حفاظت فیزیکی مواد هسته‌ای قابل ملاحظه می‌باشد.^(۲۷)

با این حال، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که آن‌ها این واقعیت را مدنظر قرار داده باشند که دو ماه قبل در ۸ جولای ۲۰۰۵ همکارانشان، اصلاحات مورد نظر کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای را در هشتم جولای ۲۰۰۵ در وین پذیرفته باشند. حیطه عمل کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای به ماده هسته‌ای مصرفی برای اهداف صلح‌آمیز در جابه‌جایی بین‌المللی مواد محدود شد. مقررات مندرج در کنوانسیون اصلاحی، حیطه کاربردی را به‌گونه‌ای وسیع کرد که ماده هسته‌ای مصرفی برای اهداف صلح‌آمیز در مصرف داخلی، انبار حمل و نقل داخلی را هم در بر گرفت. از نقطه‌نظر حقوق بین‌الملل کیفی، شایان ذکر است که کنوانسیون اصلاحی مقرر کرده که منظور از کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای، پیشگیری و مبارزه با جرایم مرتبط با مواد و تأسیسات هسته‌ای سراسر جهان و همین‌طور تسهیل همکاری دولت‌های عضو به این منظور می‌باشد.

نمایندگان دولت‌هایی که در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۵ تحت نظارت سازمان بین‌المللی دریانوردی بین‌المللی در لندن هر دو پروتکل ۲۰۰۵ راجع به کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی و پروتکل ۲۰۰۵ درخصوص پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره راه پذیرفتند، کاملاً از چارچوب ضدتروریسم آگاه بودند: پروتکل ۲۰۰۵ کشتیرانی دریایی تنها سند حقوقی ضدتروریسم است که به قطعنامه‌های ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) و ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) شورای امنیت و همین‌طور به هر ۱۲ کنوانسیون و پروتکل ضد تروریسم که در گذشته لازم‌الاجرا شده بودند، اشاره دارد. علاوه بر این کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای نیز اشاره کرده است.

پروتکل‌های سال ۲۰۰۵ همانند کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی جرایمی را مقرر کرده‌اند که نه تنها به وسیله مواد رادیواکتیو بلکه به وسیله سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک واقع می‌شوند. این پروتکل‌ها تا جایی که به تروریسم هسته‌ای مربوط می‌شود، جرایمی را مقرر ساخته‌اند که از طریق سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ادوات منفجره هسته‌ای واقع می‌شوند.

پس از لازم‌الاجرا شدن، پروتکل‌های سال ۲۰۰۵ همانند کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم دولت‌های عضو را ملزم می‌کنند واکنش کیفری، حقوقی یا اجرایی اشخاص حقوقی مرتکب یک یا چند جرم مقرر در این اسناد حقوقی را معین کنند. این اشخاص مزبور باید تحت تحریم مؤثر، متناسب و بازدارنده که می‌توانند ماهیتی مالی را در پی داشته باشد، قرار گیرند.

با این اوصاف، به‌رغم عدم عضویت برخی دولت‌ها به معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (همچون هند، اسرائیل و پاکستان)، عضویت در پروتکل ۲۰۰۵ کشتیرانی دریایی را پذیرفتند؛ زیرا این سند حمل و نقل دریایی سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ادوات منفجره هسته‌ای را که به پیروی از تعهدات مقرر در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای به عمل آمده باشد، از کیفری قلمداد شدن معاف می‌کند. امکان دارد دولت‌هایی که معاهده عدم گسترش را صحنه‌گذاری نکرده‌اند، استدلال کنند که متعهد شدن در قبال مجازات پذیر کردن حمل و نقل سلاح‌های هسته‌ای برای آن‌ها قابل قبول نخواهد بود، مگر به پیروی از معاهده عدم گسترش، زیرا این معاهده به یک نظام حقوقی شکل می‌دهد که هیچ تعهد یا حقوقی را برای آن‌ها به‌عنوان دولت‌های غیرعضو به بار نمی‌آورد.^(۲۸)

با این حال، می‌توان کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم را هم متعلق به چارچوب جهانی ضد تروریسم هسته‌ای تلقی کرد: با توجه به تفسیری که از واژه «کمک مالی» در این کنوانسیون به عمل آمده است؛ چرا که کسب و تحصیل ماده رادیولوژیک از جمله ماده هسته‌ای با این قصد که باید در ارتکاب یک یا چند جرم تروریستی استفاده شود یا با آگاهی از آن، باید بنابر حقوق داخلی نیز جرم کیفری شناخته شود. شایان ذکر است اسناد حقوقی پذیرفته شده در سال ۲۰۰۵ به صراحت مقرر می‌کنند که هیچ‌یک از معاهدات متعلق به چارچوب حقوقی جهانی ضد تروریسم هسته‌ای برای فعالیت‌های نیروهای مسلح در خلال درگیری مسلحانه کاربردپذیر نمی‌باشند.

۴. حقوق بشر

شورای امنیت طی بیانیه‌ای در بیستم ژانویه سال ۲۰۰۳ مقرر در قطعنامه ۱۴۵۶ (۲۰۰۳) تصریح کرد که دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند تا هر اقدام

به عمل آمده برای مبارزه با تروریسم از تمام تعهدات آن‌ها به موجب حقوق بین‌الملل پیروی می‌کند و باید چنین اقداماتی را مطابق قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل، به خصوص قواعد حقوق بشر، حقوق پناهندگی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی به کار گیرند.^(۲۹)

ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای نیز به همین ترتیب و با نسخه‌برداری از ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی تأکید کرده است که مجرمان متهم باید از رفتار عادلانه برخوردار شوند، از جمله برخورداری از تمام حقوق و تضمین‌های مطابق با حقوق دولتی که شخص در قلمرو سرزمینی آن حضور دارد و قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل شامل قواعد حقوق بشر بین‌المللی، قواعد مشابهی نیز در بقیه اسناد حقوقی مذکور وارد شده‌اند.^(۳۰)

با وجود این متمم ۲۰۰۵ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای تغییری در جمله‌بندی ماده ۱۲ کنوانسیون مذکور ایجاد نمی‌کند. این ماده تصریح کرده است: «هرکس که جلسه‌های دادرسی برای او در ارتباط با هر یک از جرایم مقرر در ماده ۷ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای تشکیل می‌شود، از رفتار عادلانه‌ای در کلیه مراحل دادرسی اطمینان خاطر خواهد داشت».

از آن جایی که معاهدات بین‌المللی جدا از دیگر منابع حقوق بین‌الملل عمومی قابل درک نیستند،^(۳۱) تدوین ساده ماده ۱۲ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای نباید به این معنا باشد که تضمین‌های حقوق بشر بین‌المللی باید برای کسی که ادعا شده مرتکب یکی از جرایم مقرر در کنوانسیون حفاظت فیزیکی از ماده هسته‌ای شده ضعیف‌تر از کسی باشد که ادعا شده مرتکب یکی از جرایم مقرر در کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی شده است.

۵. فرجام کلام: همکاری و مساعدت

شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۱۳۷۷ در دوازدهم نوامبر ۲۰۰۱ به کمیته ضدتروریسم فرمان داد تا به بررسی و جستجوی دقیق سازوکارهای

مساعدت به دولت‌ها و همین‌طور دسترس‌پذیری برنامه‌های موجود فنی، مالی، قانونی یا دیگر برنامه‌های همکاری بپردازد که می‌تواند اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ را تسهیل کنند. دفتر مواد مخدر و جرم ملل متحد، در اواخر سال ۲۰۰۲، برنامه همکاری حقوقی برای اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضدتروریسم و قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) را آغاز کرد. اداره مواد مخدر و جرم سازمان ملل از سوی کمیته ضدتروریسم به کشورهای نیازمند خدمات مشاوره حقوقی در زمینه مبارزه با تروریسم پیشنهاد می‌کند. شعبه پیشگیری از تروریسم آن دفتر از زمان شروع برنامه مشاوره حقوقی خود توانسته است آموزش یا خدمات مشاوره حقوقی را به تقریباً یکصد دولت و بنا بر درخواست آن‌ها ارائه کند.

راهبرد جهانی ضدتروریسم ملل متحد که در هشتم سپتامبر سال ۲۰۰۶ از سوی مجمع عمومی پذیرفته شد، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل و شعبه پیشگیری از تروریسم آن را ترغیب نمود تا از طریق تبادل اطلاعات با کمیته ضدتروریسم و دبیرخانه اجرایی آن، ارائه همکاری فنی خود به دولت‌ها را طبق درخواست آن‌ها، تقویت کنند که این امر موجبات اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با پیشگیری و مبارزه با تروریسم و قطعنامه‌های ذی‌ربط سازمان ملل را فراهم می‌نماید.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چارچوب این راهبرد و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، نقش شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مواد مخدر و جرم ملل متحد را در مساعدت به دولت‌ها برای عضویت و اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی در امور کیفری مرتبط با تروریسم، شامل ظرفیت‌سازی ملی به رسمیت شناخت. شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل درصدد است تا همکاری درخصوص تروریسم هسته‌ای را در طول همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه کند.

یادداشت‌ها

۱. پیمان نامامیان، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای، انتشارات دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۲۲-۱۹.
۲. در این خصوص، ر.ک: جعفر کوشا و پیمان نامامیان، «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۷، صص ۲۴۸-۲۴۶.
3. The CTC Maintains a Website at: www.un.org/sc/ctc.
4. United Nations General Assembly Resolution 60/288 of 8 September 2006.
5. The List is Available on the 1267 Committee's Website together with the Implementation Reports of States at: www.un.org/Docs/sc/committees/1267Template.htm
6. See in this Regard, the Briefing for Member States Held in New York on 4 April 2002 at: www.un.org/docs/sc/committees/1373/rc.htm
7. Article 2(3) of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism.
۸. لازم به ذکر است که اصلاح کنوانسیون مزبور در پی ایجاد مشکلات اساسی در زمینه مقابله با پدیده تجارت غیرقانونی مواد هسته‌ای و دسترسی به آن توسط افراد غیرمجاز خارج از حاکمیت دولت‌ها و نیز تهدیدات ناشی از آن از جمله امکان تخریب و انهدام تأسیسات هسته‌ای، طی برگزاری کنفرانس‌های متعدد و تشکیل کارگروه‌ها تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۰۵ صورت پذیرفت.
۹. نادر ساعد، حقوق بین‌الملل و نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۳۷.
10. G/A/Res/54/56T; 2002.
11. G/A/Res/57/83; 2003.
12. See: Ezequiel Maman, "Nuclear Security and the IAEA", 2002, <http://www.iaea.org/policyGC/6cc.>, p. 14.
13. G/A/Res/60/73; 2006.
14. G/A/Res/60/78; 2006.
15. Andrew Semmel, "UN Security Council Resolution 1540: The U.S. Perspective," United Nations Conference on Global Nonproliferation and Counterterrorism, 2007, pp. 29-32.
16. Security Council Resolution 1540 (2004), Operative Paragraph 8(c).
۱۷. نادر ساعد، طرح تحقیقاتی «شناخت و ارزیابی محدودیت‌های نظام بین‌المللی ناظر بر کاربردهای چندمنظوره فناوری‌های مرتبط با سلاح‌های نوین»، دفتر مطالعات و امور دفاعی اداره کل مطالعات راهبردی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸، ص ۵۶.

18. S.C.Res/1673/2006.
19. See: David P. Fidler, "The Chemical Weapons Convention after Ten Years: Successes and Future Challenges", ASIL, Volume 11, Issue 12, April 27, 2007; [http://www.asil.org/chemical weapons/terror-cwc,2007/html](http://www.asil.org/chemical%20weapons/terror-cwc,2007/html)
20. See: Matthew Fuhrmann, "Making 1540 Work: Achieving Universal Compliance with Nonproliferation Export Control Standards," World Affairs, Vol. 169, 2007, pp 143-152.
21. Stefan Talmon, "The Security Council as a World Legislature," The American Journal of International Law, Vol. 99, No.1, January 2005, pp.175-193.
22. S.C.Res/1810/2008.
23. See: Paul Bernstein, "International Partnerships to Combat Weapons of Mass Destruction," Occasional Paper, Center for the Study of Weapons of Mass Destruction, National Defense University Press, May 2008, pp. 13-14.
24. S.C.Res/1887/2009.
25. See also: O. Jankowitsch-Prevor "The International Convention on the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism" in OECD/NEA *Nuclear Law Bulletin* No. 76, Volume 2005/2.
26. United Nations General Assembly Document A/AC.252/1998/L.5 of 27 February 1998.
۲۷. جهت کسب اطلاعات بیشتر، رک: جعفر کوشا و پیمان نمایان، «تروریسم هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علوم جنایی (مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران)، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۰۶-۱۹۶.
28. See IMO Document LEG/SUA/WG.1/2/9 dated 12 July 2004.
29. See also the United Nations Global Counter-Terrorism Strategy, Plan of Action, paragraph 3.
30. See Article 9 Maritime Navigation 2005 Protocol and Article 2 Fixed Platform 2005 Protocol.
31. See: [www.worldtradelaw.net/reports/wtoab/us-gasoline\(ab\).pdf](http://www.worldtradelaw.net/reports/wtoab/us-gasoline(ab).pdf).